

هنر ایران

رابرت مرداک اسمیت

نامقالاتی از

حبیبر اسکرس

ایرسل گدوین

مترجم

کیانوش معتقدی

ناهمکاری علیرضا بهارلو

فهرست

۱۱	پیشگفتار اردیلماسی تا ایران‌شناسی بریتانیایی در عصر قاجار
۲۳	مقدمه
۲۷	چینی و سفال
۴۱	کاشی‌کاری
۴۶	سلاح و حوش
۵۱	مسوحات
۵۷	سورن‌دوری و گلدوزی
۶۱	فلرکاری
۷۲	کنده‌کاری و معزق چوب
۷۵	نقاسی
۷۷	سحده‌های حطی
۷۹	مساکاری، حواهرسازی و حکاکی
۸۱	آلات موسیقی
۸۳	فهرست آثار موحود در مورهِی ساوت کریگتون
۸۵	آلوم تصاویر
۱۰۹	ر مرداک اسمیت و روانظ فرهنگي- هری ایران و بریتانیا در عصر قاجار
۱۳۹	ار فرهنگ سحصى تا داتقه‌ی شرقی مجموعه‌داران بریتانیایی هر ایران در قرن نوردهم

چینی و سفال

در این موره مجموعه‌ی بزرگی از چینی‌آلات وجود دارد که از ایران خریداری شده است. در اینجا ضرورت ندارد در خصوص انواع مختلف چینی‌های ارائه شده در مجموعه وارد بحث شویم، اما ذکر نکاتی درباره‌ی قدمت این آثار و نحوه‌ی ورودشان به ایران، حالی از لطف بیست

پیش از کشف راهی به شرق از کنار «دماغه‌ی امید بیک»،^۱ تجارت از هند و چین، یا از راه خشکی [حاده‌ی ابریشم] و از طریق آسیای میانه انجام می‌شد، و یا از راه حلیح فارس به اروپا و ایران بدین وسیله به مرکزی مهم برای عبور و مرور تبدیل شده بود. در عهد شاه عباس (ح ۱۶۰۰ م) این راه تجاری کماکان بسیار پُررفت و آمد بود. بنابراین می‌توان تصور کرد چینی‌آلات سرزمین چین که در ایران هست، به آن دوره مربوط می‌شوند.

ایرانیان به این آثار نام‌های مختلف می‌دادند، مثلاً «چینی حلفا»، «چینی شاه‌عباسی» و امثالهم. هر قطعه‌ای که بعد از این به ایران وارد شده، سبکی کاملاً متفاوت دارد. به حر معدود مواردی از این اقلام مدرن، هیچ کدام از چینی‌آلات سرزمین چین که از ایران به موره راه یافته نمی‌تواند به زمان بعد از شاه عباس مرتبط باشد، و بسیاری از آنها حتی قدمت بیشتری دارند. در خصوص اصالت این آثار، کمترین تردیدی نیست.

شاردن که در آغاز قرن ۱۷م^۲ سفرنامه‌ی خود را می‌نویسند (و بسیاری از حریات ریز و دقیق را در سارهی ایران به او مدیون هستیم، چراکه در زمان ملکه الیرات بوده) راجع به سفال ایران می‌نویسد

«سفالیه‌های لعابدار (بدل چینی)، چنان‌که این طور می‌خوانیم‌شان، به همین طریق یکی از بهترین انواع مصوعات در سراسر ایران شمرده می‌شوند ریباترین انواع آنها در شیراز، مشهد، یرد و کرمان و علی‌الحصول در یک شهر کرمان به نام یرد تولید می‌شوند حاک این سفال از میسای حاصل نوده و بیرون و درون به کل شبیه سفالیه‌های لعابدار چینی است این سفال به همان سست طریف و شفاف است، به همین دلیل اغلب چنان فریفته‌ی آن می‌شویم که سفال چین را از ایران نارمی‌شاسیم حتی گاه چینی ایرانی به انواع مُلک چین ارجح است، چراکه لعاب ریبا و درحشایی دارد»

در این متن چیری یافت نمی‌شود که با قاطعیت نشان دهد ظروف چینی حقیقی، رمایی در ایران ساخته می‌شدند، یعنی همان چینی با نده‌ی سحت، مثل انواعی که در سلاطین وجود داشت شاردن از قرار معلوم، بیس اصطلاحات «بدل چینی» (faience) و «چینی» (porcelain) تمایزی قابل نمی‌شود، یا شاید آن چنان در سارهی سفال لعابدار ایرانی و چینی ایرانی سحن گفته که ما راجع به چینی در سدن، چینی انگلیس و غیره سحن می‌گوییم - انواعی که به طور یقین فقط تقلید چینی حقیقی چین هستند چینی مرر و نوم چین، از حیث حمیر نده (گل چینی ساری)، بی تردید در فرنگ بهتر از ایران تهیه و تقلید می‌شود اما مدت‌ها پیش از اروپاییان، این ایرانیان بودند که چین سفالیه‌های ریایی می‌ساختند ایها به لحاظ طرح، رنگ، لعاب و فرمی که داشتند، گاهی با ظروف اصیل چینی اشتباه گرفته می‌شدند از سبب مثال، طرف سفالین ش ۱۲۲۴'۷۶ کتیسه‌ای دارد که گفته



سفال بلوچوری، ش ۴۸۷۴

۲ نا نوحه به سالروز ولادت و وفات ژان شاردن (۱۷۱۳-۱۶۴۳ م)، عبارت «آغاز قرن ۱۷م» نمی‌تواند محلی از اعراب داسه ناسد سفرنامه‌ی او در واقع در سده‌ی دوم قرن ۱۷ م و در ربع آخر آن قرن به رسه‌ی تحریر درآمده و منتشر سده است این ناره، به لحاظ هموشایی تاریخی، با دوره‌ی ملکه الیرات اول (۱۶۳-۱۵۳۳ م) سر چندان بطنای ندارد